

فرهنگ زبان یهودیان کاشان

همراه با راهنمای تلفظ و ترجمه به زبانهای فارسی و انگلیسی

«فرهنگ لغات یهودیان کاشان»

*A Dictionary of the
"Kashani Jewish" Dialect*

*With English Translation and Pronunciation Guide to
This Old Language*

فرهنگ لغات یهودیان کاشان

سخن سر دبیر

بدون تردید جامعه یهودیان ایران از اصیل ترین یهودیان دنیا و یکی از کهن ترین گروه‌های قومی اند که از دیرباز در ایران زمین اقامت داشته اند. پس از واقعه ویرانی بیت همیقداش و به اسارت رفتن یهودیان به بابل و در پی آن مهاجرت آنها به سرزمین پهناور ایران، فصل جدیدی در ارتباط با زبان، فرهنگ و مردم آریایی برای آنها شکل گرفت. یهودیان در گذر ۲۵۰۰ سال از اقامتشان در ایران فراز و نشیبهای متعددی را متحمل شدند، تهاجم اقوام مختلف از شرق و غرب با زبان و فرهنگهای متفاوت تاثیرات نامتناسبی برجای گذاشت و بر اثر این تعرضات زبان یهودیان ایران هم در طی تاریخ دستخوش تغییرات اساسی گردید. در گستره جغرافیایی مردم فارسی زبان یهودیان گویش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده اند که حاوی واژگان اصیل پارسی بوده. همچنین باید در نظر داشت گرایشهای مذهبی عاملی مهم در حفظ بقاء یهودیت و فرهنگ نوشتاری فارسیهود بوده.

پس از سکنا یافتن یهودیان در اقصی نقاط ایران، به مرور مهاجرین تازه وارد مجبور شدند برای ارتباط و امرار معاش، زبان مردم سرزمین جدید خود را فرا گیرند. اگر چه در طی تاریخ همواره متحمل مشقات، محدودیت ها و تبعیضات شدند، با این وجود توانستند نه تنها در زمینه های اقتصادی که در زمینه های علمی، هنری و فرهنگی موفق شوند و به شهرت برسند. در این میان شهر کاشان بستر مناسبی بود برای خلق آثار ادیبانه شاعران و اندشمندان بسیاری چون «دان شموئیل»، «بابائی بن لطف» مولف کتاب آنوسی و ادامه آن «بابایی بن فرهاد» نیز «شموئیل پیر احمد»، «بنیامین بن الیاهو»، «سرمد صوفی»، «ربی یهودا بن العازار» فیلسوف و فقیه صاحب کتاب ارجمند حبوت یهودا، «یهودا لاری»

همچنین هنرمند و موسیقیدان بزرگ عصر قاجار، «موسی خان کاشی» را میتوان به این اسامی اضافه نمود. ضمن آنکه آثار نوشتاری یهودیان ایران قبل از دوران صفویه تا اوایل دوران پهلوی، فارسیهود بوده. حتی داد و ستدها، تبادل اسناد و مکاتبت ها از این امر مستثنا نبوده اند.

با استناد به یادداشتهای «هایده سهیم» گویش اکثر یهودیان ایران به دوبخش تفکیک شده است. گویش آرامی که در مناطق شمال غربی ایران (یهودیان ارومیه، سنندج و یهودیان مناطق کردستان) و جنوب غربی رواج داشته و دومین آن گویش پارسی (مادی) که هم در مناطق جنوبی و هم در مناطق مرکزی صحبت میشده است و به گویش مرکزی معروف است. گویش یهودیان کاشان همانند گویش یهودیان همدان، اصفهان، گلپایگان، نطنز، خونسار، ارک، ملایر و ... در رده گویشهای پارسی یا مرکزی قرار گرفته اند و در قالب مجموعه گویشهای اختصاصی جوامع یهودی در سایر مناطق ایران جای می گیرد که برای ایمنی و جلوگیری از درک مکالمات افراد جامعه توسط دیگران هم مورد استفاده قرار می گرفته.

طبق پژوهشهای زبانشناسی گویش کلیمیان کاشان و سایر گویشهای کلیمیان ایران را باید در چارچوب مجموعه گویشهای جیدی یا لاتورایی مورد توجه قرار داد. گویش کلیمیان کاشان و دیگ گویشهای کلیمیان مبتنی بر زبان های باستانی ایران (از جمله زبان پهلوی) و زبانهای محلی اند. این گویشها، معدود واژگانی را نیز از زبان عبری در خود دارند. به بیان دیگر، «کلیمیان ایران در گوشه و کنار کشور و از ۲۷۰۰ سال پیش بار امانتی بس گران را بر دوش کشیده و پشت به پشت به فرزندان خود سپرده اند.

باید در نظر داشت نوشتارهای فارسیهود از لحاظ سبک شناسی میتوانند شامل متون کلاسیک و ادبی و یا لهجه های محلی باشند. این نوشتارها اکثراً سه رکن یهودیت، ایران و اسلام را در آن واحد در بردارند. کار بُرد و تناسب این سه رکن بر حسب نوع متن،

متفاوت است. در متون ادبی، جنبه های ایرانی، در متون مذهبی، جنبه های یهودی و در اکثر متون فلسفی و یا عرفانی، نشانهای اسلامی را بیشتر میتوان مشاهده کرد. از نظر موضوع نیز این نوشتارها، میتوانند مفاهیم مذهبی و غیرمذهبی، علمی و عرفانی و یا تاریخی و امور زندگانی روزمره را در بر داشته باشند. همچنین نحوه خواندن تفیلاها (دعا و نماز) و قرائت توراها در شبات ها، برگرفته از ریتم و آهنگی است که یهودیان سفارادی سالها بطور سنتی در اروپا اجرا می کردند. در بین شهرهای اطراف کاشان هستند شهرهایی که گویش آنها شبیه به زبان یهودیان کاشان میباشد، مهم ترین آن شهر "آران" و "ایبانه" در فاصله ۶۵ کیلومتری کاشان است. به طور یقین پس از حمله اعراب به ایران مردم بسیاری از شهرهای یهودی نشین (آران، ایبانه و...) که جمعیت معتنابه یهودی داشته اند که تحت فشار تغییر مذهب داده اند.

ادب حکم می کنید از دوستانی که برای تهیه این مجموعه ارزشمند در طی این سالها از هیچ گونه همکاری دریغ نکردند، به ویژه "خانم لئا دانیالی" برای مدیریت در تنظیم و تصحیح، "خانم الهام آبائی" برای اعرابگذاری و تصحیح واژگان و "آقای مردخای امین شموئیلان" برای انجام کارهای دیجیتالی و فنی این مجموعه که همواره همکاری بی دریغشان را نثار نمودند سپاس دارم. همچنین از هارون سرودی که طی سالیانی طولانی با دقتی خاص اقدام به جمع آوری لغات کاشانی کرده بودند، و نسخه کامل آن را در اختیار ما قرار داده اند و از دیگر دوستان یوسف سرودی، ژاکوب ستاره شناس و نورالله گبای که در این راستای با ما همکاری کردند سپاسگزاریم .

بنیانگزار وبسایت 7Dorim

یوسف ستاره شناس



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Of Tow	أف تو	Sunlight	آفتاب
Oviyeh of Towoo	أو ویه أف تو وو	It's sunny over there	آنجا آفتابه
Oftove	أفتوه	Ewer	آفتابه
Owe	او	Water	آب
Oveh yoush	أو یوش	Hot water	آب جوش
Ove limoo	أو لیمو	Lemon juice	آب لیمو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ovanbar	اُونَبَار	Water tank	آب انبار
Aberi	آبِرِی	Reputation	آبرو
ovireh	اَوِیرِه	pregnant	آبستن
Owe goosh	اُوگوش	Meat broth	آبگوشت
Owenebat	اُونِبَات	Candy	آب نبات
Ezeneh	اِزِنِه	Friday	آدینه
Assoon	آسُون	Easy	آسان
Assin	آسین	Sleeve	آستین
Asemoon	آسِمُون	Sky	آسمان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Oftovi	أف تُوی	Sunny	آفتابی
Ashpaj	آش پَج	Cook	آشپز
Ashpeji	آش پِجی	Cooking	آشپزی
Aali	آلی	Plum	آلو
Aliche	آلیچه	Green plum	آلوچه
Bame	بَ مِه	Came	آمد
Oviyeh	أو وِیه	Over there	آنجا
Avangoon	آوَنگُون	Hanging	آویزان
Yavash/ Ase	یاواش / آسه	Slow	آهسته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Assar	آسَر	Lining	آسر
Oorouje	او رو جه	That day	آنروز
Ove jere ka	اُو جر کا	Manipulative	آب زیر گاه
Meshate	مِشاته	Hair dresser	آرایشگر زن
Salmoonni	سلمونی	Barber	آرایشگر مرد
Assiyo	آسی یُو	Mill	آسیاب
Pelash	پِلش	Strainer	آبکش
Aowr	اُوور	Cloud	ابر
Hava avriyo	هوا اوری یو	It's cloudy	هوا ابری است

تلفظ	كاشانى	معنى	لغت
Anshaow	أَنْشَوُ	Silk	ابریشم
Ooademy	او آدِمى	Fairies	اجنه
Arzoon	أَرْزُون	Cheap	ارزان
Howz	حَوْض	Pool	استخر
Essekhoon	إِسِ خُون	Bone	استخوان
Ghey	قَى	Vomit	استفراغ
Arouj	أَرْوَج	Today	امروز
Anshawo	أَنْ شَوُ	Tonight	امشب
Ena	إِنَا	Pomegranate	انار

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Angi	انگی	Grape	انگور
Endieh	انديه	Here	اینجا
Enghad	ان ق د	This much	اینقدر
Aybun	ایبون	Porch	ایوان
Eemoon	ایمون	Faith	ایمان
Ejare sera	اجاره سِرا	House rent	اجاره خانه
Az vishgi bemad	از ویشگی بَمَد	He/She starved to death	از گرسنگی مرد
Aberisha beram	آبریشا بِرام	I will humiliate him/her	آبرویش را می برم
Otobouse de bame	اتوبوس دِ بَمِه	The bus was late	اتوبوس دیر آمد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ey bash hamade	ای بَش هَمَدِه	He/She broke it	او شکسته
Ey Ende deroo	ای اِنْدِه دِرُو	He/She is here	او اینجا است
Waay sadeh	وای سادِه	standing	ایستاده
Ey Ende dabo	ای اِنْدِه دَبُو	He/She was here	او اینجا بود
Az sera bamede	از سِرا بَمِدِه	He/She come from home	از منزل آمده
Noom	نوم	Name	اسم
Chor	چُر	Urine	ادرار
Owe teni	اُوو تِنِی	To bathe	آب تنی
Arouj you	آرُوج یُو	He/She will come today	امروز میاد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Eta	اِتا	This	این
Esskhoun hamadeh	اِسِ خونه همده	Broken bone	استخوان شکسته
Engieh	اِن گیه	This way	اینطوری
Angosh	اَن گُش	Finger	انگشت
Eshta	اِشتا	Appetite	اشتها
Pastoo	پَس تو	Back room	اطاق عقب
Ayoon	آعیون	Wealthy	اعیان
Vadkhori	واد خوری	Arrogant	افاده
Neghama	نِقاما	Bother	اذیت - آلِ لا

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Az tas della be vesia	آز تَس دِلا بِ وِ سیا	My heart tore apart from fear	از ترس دلم پاره شد
mishlaghe	میش لَقه	Skinny	آدم لاغر



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Berar	برار	Brother	برادر
Beva Biyou	بوا بی یو	Tell him/her to come	بگو بیاد
Betanji	بِ تَن جی	Taste it	بچشید
Viterin	وی تَرین	The best	بهترین
Vechiye bechoradeh	وچیه بچوراده	The child peed	بچه جیش کرده
Beshe Makh bebe	بِشَه مَخ بِ بَه	Get lost	برو گم شو
Zemin ne	زَمینِ نَه	Put it down	بگذار زمین

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vachidan	وَچیدن	To gather up	برچیدن
Berar jan	برارجَن	Brother in law (wife's brother)	برادر زن
Berarshi	برارشِی	Brother in law (husband's brother)	برادر شوهر
Beshe	بَشِه	Go	برو
Bash beh	بَش به	He/She took it	بُرد
Bash berid	بَش برید	He/She cut it out	بُرید
Vad chashm	وَ دَ چَشَم	Evil Eye	بد چشم
Var roo jegari	وَ دَ رُو جِگاری	Misfortune	بد روزگاری
Bakete	بَ کِ تَه	Fell out	بیرون افتاده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vi zeboon	وی زبون	Not talkative	بی زبان
vishtar	ویش تر	More	بیشتر
Vi noom	وی نوم	Nameless	بی نام
Berene	بِ رِنَه	Naked	برهنه
Vass	وَس	Enough	بس
Dany	دَنی	Sit down	بشین
Bowneh	بووَنه	Excuse	بھانہ
Vi eemoon	وی ایمون	Unbeliever	بی ایمان
Varoon	وارون	Rain	باران

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vad	واد	Wind	باد
vadeyou	وادِیو	Windy	باد می آید
Vajar	واجار	Market	بازار
Dade	دَدِه	Give it	بده
Dagh nadan	داق نادَن	To open	باز کردن
dagheshna	داقش نا	He/She opened	باز کرد
Vafr	وَفَر	Snow	برف
Beva beshoo	بِوا بِشو	Tell him/her to go away	بگو بره
Bokhos	بُو خُوس	Sleep	بخواب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bokhosid	بُو خُوسید	Go to sleep	بخوابید
Veresh bva	وَرِش بِ وا	Tell him/her	به او بگو
Beshe sera	بِشِه سِرا	Go home	برو منزل
Bareh	بارِه	Bring it	بیاور
Va gi beshe	وگی بِشِه	Take it and leave	بردار و برو
Vase evy	واسِه اوی	For him/her	برای او
Vad	وَد	Bad	بد
Wey tar	وی تَر	Better	بهتر
Bigh	بیق	Horn	بوق

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Godi	گودی	Big, Large	بزرگ
Pabi beshe	پابی بشه	Get up and leave	بلند شو و برو
Veche	وچه	Child	بچه
Dime miz	دیم میز	On the table	بالای میز
Vihaya	وی حیا	Shameless	بی حیا
Bou	بو	Let it be	باشد
Beneche	بنه چه	Little kid	بچه کوچک
Vad noom	وَد نوم	In famous	بدنام
Valg	ولگ	Leaf	برگ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vagad	واگد	Come back	برگرد
bahman	بَهْمَن	Break it	بشکن
Zoonoo	زونو	He/She knows	بلد است
Nezoonoo	نِ زونو	He/She doesn't know	بلد نیست
Bemer	بِ مِر	Die	بمیر
Beva	بِ وا	Say	بگو
Boureh	بورِه	Come	بیا
Vad bejan	واد بَجَن	Hand-held fan	بادبزن
Viyeh	ویِه	Widow	بیوه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vazom	وازوم	Almond	بادام
vajarcheh	وا جار چه	A small market	بازارچه
Vagada	واگ دا	Return	بازگشت
Vipil	وی پیل	Penniless	بی پول
Vichashmerou	وی چشم رو	Ungreatful	بی چشم و رو
Vikhovi	وی خو وی	Insomnia	بی خوابی
Vidadesar	وی دِسر	Without any issues	بی دردسر
Vidassepa	وی دسِ پا	Clumsy, Inept	بی دست و پا
Vidin	وی دین	Not religious	بی دین

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vikar	وی کار	Unemploye d	بیکار
vimeze	وی مِ زِ	Tasteless	بی مزه
Vihooshi	وی هوشی	Unconciou ss	بی هوشی
Vase mo nia dar	واسیه مونی یادار	Keep it for me	برای من نگه دار
Mo shema ra ni shnasa	مؤ شِما را نی شناسا	I don't know you	بنده شما را نمی شناسم
Vira ni you	ویرا نی یو	I don't remember	بخاطرم نمی آید
Vira Ame	ویرا امه	I remember ed	بخاطرم آمد
Vechieh bokhote	وِچیه بُوخوْتِه	The child is sleeping	بچه خوابیده
Tan gol	تَن گُل	Snap	بشکن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Beshe yash ne	بَشِه یاش نِه	Go and put it back in its place	برو جاش بگذار
Bamva zadeh	بَم وَا زَا دِه	I lost	بازنده شدم



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shevi	شوی	Shirt	پیراهن
Jer	جر	Down	پائین
Bala boon	بالا بون	Roof	پشت بام
Bepechi adeh	بِ پِ جی آدِه	It was cooked	پخته بود
Pera	پِرا	My father	پدرم
Bakhajeh	باخواجه	Grand father	پدر بزرگ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pershi	پِرشِی	Father in law (husband's dad)	پدر شوهر
Piriyeh	پی ریه	That boy	پسرَه
Moon bam pat	مون بَم پَت	I cooked	پختم
Be pe jiyadeh	بِ پِ جِیادَه	It's cooked	پخته شده
Be paj	بِ پِج	Cook it	پِز
Perjan	پِر جَن	Father in law (wife's dad)	پدر زن
Bepera	بِ پِرا	It jumped	پرید
Pereji	پِ رِ جِی	The day before yesterday	پریروز
Vayoste	وایوستِ	I find it	پیدا کردم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Passeba	پَس سِبا	After tomarow	پس فردا
Pill	پیل	Money, cash	پول
Pissadegi	پیسادِگی	Worn out	پوسیدگی
Bepissadeh	بِ پی سادِه	It's been worn out	پوسیده شده
Pally	پَ لی	Side	پهلو
Pire jan	پیرِجَن	Old woman	پیرزن
Pire med	پیرِمِد	Old man	پیر مرد
Pe tan	پَ تَن	To cook	پختن
Pe te	پَ تِه	It's cooked	پخته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pire Amoo	پیرِ عامو	Male cousin	پسرِ عمو
Pire Ameh	پیرِ عامہ	Male cousin	پسرِ عمہ
Gi Gi	جی جی	Breast	پستان
Pesseleh	پِ سیلہ	In secret	پنہانی
Pa boghatan	پا بُو قاتن	To pedal, to kick	پا زدن
Pa bere neh	پا بِ رِ نہ	Barefoot	پا برہنہ
Paloon	پالون	Pack saddle	پالان
Jol koneh	جُل کُونہ	Old cloth	پارچہ کھنہ
Perishawo	پِری شو	Night ago	پریشب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Viyareh	وی یره	torn	پاره
Vayoveh	ویوُوه	Distressed	پریشان
Mof ni azoo	موف نی آزو	It's not worth anything/ worthless	پشیزی نمی ارزد
Peni	پِ نی	Cheese	پنیر
Poshtema kharena	پُشْتِمَا خَارِنَا	I scratch my own back	پشت خودم را میخارانم
Jekad	جِه کَد	It fell down	پائین افتاد
Pil sheshde	پیل شِش دِ	Give him/her money	پول بهش بده



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Tit	تیت	Berry	توت
Temoon bo	تمون بو	It's finished	تمام شد
Tarjan	تار جن	Tar player (Tarist)	تارزن
Toshi	توشی	Pickled veggies	ترشی
Terazi	ترازی	Scale	ترازو
Taow	توو	Fever	تب
Taow dar	توو دار	Feverish	تب دار

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Tokhme kedi	تخم کدی	Pumpkin seed	تخم کدو
Temoome dota	تموم دوتا	All the girls	تمام دخترها
Goo bazi	گو بازی	Ball game	توپ بازی
Tej	تج	Sharp	تیز
Tossoon	توسون	Summer	تابستان
Tossooni	توسونی	Summery	تابستانی
Toveh	تُووه	Frying pan	تاوه
Taje	تاچه	Fresh	تازه
Takhoon	تاخون	Penalty, punishment	تاوان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pishe Handineh	پیشه هندیینه	Water melon seed	تخم هندوانه
Naly	نالی	Mattress	تشک
Darash	داراش	Commentary	تفسیر
Teliphoon	تلی فون	Telephone	تلفن
Gava	گا وا	Arrongance	تکبر
Tal	تل	Bitter	تلخ
Amaleh	آماله	Enema	تنقیه
Tenir	تَ نیر	Clay oven	تنور
Yedae	یدائی	Lonliness	تنهایی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zelomat	ظُلُومات	Dark	تاریک
Tassekin	تَسِ کین	Timid	ترسو
Betassadeh	بِ تَ ساره	He/She got scared	ترسیده
Betoroshiad eh	بِ تُو رو شیاره	Fermented turned sour	ترشیده
Beterekade h	بِ تِ رِ کایه	Burst, exploded	ترکیده
Tokhmemogh	تخمِ مُوغ	Egg	تخم مرغ
Tenaf	تِ نَاف	Rope	طناب
Balakejeh	بالا کِ جِه	Shelf	تاقچه

ج

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Giloveh	گی لُووِه	Socks	جوراب
Youshamad eh	یوش آمِدِه	Boiled	جوشیده
Beyousha	بِه یوشا	Boil up	جوشاندن
Yabeya	یا بِه یا	Misplaced	جا به جا
Jijeh	جیجِه	Chik	جوجه
Ezeneh	اَزِنِه	Friday	جمعه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jije Herooss	جیجه هروس	Young rooster	جوجه خروس
Joobe owe	جوبِ اوو	Narrow stream	جوی آب
ya	یا	Place, space	جا
Yadar	یادار	Spacious	جا دار
Yamandeh	یا منده	Left behind	جا مانده
Youshadeh	یوشاره	Boiled	جوشانده
Jaadeh	جَعِدِه	Road	جاده
Ya pa	یاپا	Foot step	چاپا
Joonevar	جونِه وَر	Animal	جانور

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ba khajeh	با خاجه	Ancestor	جد
Shedim	شیدیم	Jinn, Genie	جن
yoush	یوش	Boil	جوش
Jaziyeh	جازیه	Dowry	جهیزیه
fezil	فضیل	Spy	جاسوس
Fezily	فضیلی	Espionage	جاسوسی
Bejomba	بِ جُمبا	It moved	جنبید
sevake	سیواکه	Separate Them	جدا کن

تج

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Engieh	ان گیہ	Such, Thus	چنین
Choghoo Tej kon	چوقو تج کُن	Knife sharpener	چاقو تیز کن
Chowreh	چوورہ	Female cloak	چادر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Choo	چو	Wood	چوب
Chookary	چوکاری	Wood work	چوب کاری
Chashebat	چاشبات	Wednesda y	چهارشنبه
Bechassbad eh	بِ چَس باریه	Attached	چسبیده
Chashma owo ni khoroo	چَشما اُوو نی خُورو	I have little hope that it will work	چشم آّب نمی خورد
chakh	چَخ	Wheel	چرخ
Zenagh Doon	زِنَق دُون	Chin	چانه
Cheghaz	چِه قَز	How much	چقدر
Kay	کَی	When	چه وقت

ح

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Assir	آسیر	Prohibited, forbidden	حرام
Hassid	حَسید	Jealous	حسود
Hassidi	حَسیدی	Jealousy	حسودی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Haywoon	حَى وون	Animal	حیوان
Ovireh	اُویره	Pregnant	حامله
Hamoon	حَمون	Bath, shower	حمام
Halam beham ganda	حالام بِهَم گندا	I felt disgusted	حالم به هم خورد
Haf nanga	حَف ننگا	Don't Speak	حرف نزن

خ

Khow	خوُو	Sleep	خواب
Khar	خار	Sister	خواهر
Bokhote	بُخُوته	Sleeping	خوابیده

Khayleh	خَی لِه	A lot, too much	خیلی
Habizeh	هَبی زِه	Melon	خربزه
Bash khode	بَش خُوده	He/She ate	خورده
Kharjan	خارجَن	Sister in law (wife's sister)	خواهر زن
Kemava	کِما وا	I will say it	خواهم گفت
heroos	هروس	Rooster	خروس
Yow shoon	یُووشون	Thorn	خار - تیغ
Khin	خین	Blood	خون
Khin khar	خین خار	Blood thirsty vampire	خونخوار

Khin riji	خين ريڄي	Bloodshed	خونريزي
Khin madeh	خين مڊه	Bruised	خون مرده
Heridan	هريڊن	To buy	خریدن
Khasse	خسيه	Tired	خسته
Khow shode	خوشده	He/She fell asleep	خواب رفته
khassegar	خاسيه گار	Suitor	خواستگار
Khoona	خونا	Legible	خوانا
Khab	خَب	Good	خوب
Khebi	خبي	Goodness, kindness	خوبي

Khoom	خوم	Raw	خام
Sera – khooneh	سِرا-خوِنِه	House	خانه
Khide khide	خیده خیده	Little by little	خرده – خرده
Khaji	خَ جی	Expenses	خرجی
Khapil	خَ پیل	Well off, wealthy	خرپول
Khachang	خَ چَنگ	Lobster	خرچنگ
Khefe	خِفِه	Suffocate	خَفِه
Dan yoveh	دان یُووِه	Yawn	خمیازه
Maghbill	مَقبیل	Beautiful	خوشگل

Khik	خیک	Pig	خوک
Beramede	بِ رَ مِدِه	Has exited	خارج شده
Khoza	خُوْزَا	God	خدا
Khoza bashamoza	خُوْزَا بَشَا موزا	May he/she rest in peace	خدا بیامرز دَش
Khoza biyamorz	خُوْزَا بِيَاْمَرْز	God bless his soul	خدا بیامرز
Khater shema assodehbo	خَاطِرِ شِمَا آسُوْدِه بُو	Rest assured	خاطر شما آسوده باشه
Khide hesab	خِيْدِه حِسَاب	A little amount due unsettled	خرده حساب
Mila konoon	مِيْلَا كُنُون	Circumcision	ختنه سوران
Khoma	خُوْمَا	Date (s)	خرما

Kha	خَ	Donkey	خر
Bash Herid	بَش هِرِيد	He/She purchased	خرید
Khak riji	خاک ریجی	Pouring sand soil	خاک ریزی
Horba	هُوربا	Damaged, ruined	خراب
Keness	کِنِ س	Stingy, miser	خسیس
Vassmeh	وَسْمِه	Eyebrow line	خط ابرو
Khatera jamoo	خاطرًا جَمُو	I am sure	خاطر م جمع است
Kharat	خَارَت	Persian - hashbrown s	خاگینه - کوکو
Khoza deresh dade	خُوْزَا دِرِش دَادِه	God given	خدا داده

Khaji	خَجِي	Expense	خرجی
Veche ssally	وچہ سالی	Childhood	خردسالی
Khide essekhood	خیدہ اسِخون	Shards of bone	خرده استخوان
Bekhanda	بِ خندا	He/She laughed	خندید
Khova bedid	خُوا بیدید	I dreamt	خواب دیدم
Bokhoteh	بُوخوْتِه	He/She is sleeping	خوابیده
Khow shodeh	خوُو شَدِه	Fell asleep	خواب رفته
Khorak peji	خوْرَاکِ پِجِي	Cooking	خوراک پزی
Khaileh ka dara	خَیْلِه کا دارا	I have a lot to do	خیلی کار دارم

Khaileh Geronoo	خَيْلِه گِرُونو	It's very expensive	خیلی گران است
Khakesa	خَاکِه سَ	Ashes	خاکستر
Khaileh hangaro	خَيْلِه هِنگَارو	He / She is talkative	خیلی حرف می زند
Khoza niada	خُوْزَا نِیَادَا	Goodbye	خدا نگهدار



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Dot	دُوت	Daughter, Girl	دختر
Daro shoo	دارو شو	He/She is leaving	داره میره
Beresera	بِ رِ سِرا	Front door	درب خانه
Heyzery	هی زِری	Yesterday	دیروز
Deroovajoo	دِرو واجو	He/She is lying	دروغ میگه
Dass vayr	دَس وَ یِ ر	Let it go	دست بردار
Dekoon	دِکون	Shop, Store	دکان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Del sote	دِل سُوْتِه	Broken hearted	دل سوخته
Del sooji	دِل سوجی	Pity, sympathize	دلسوزی
Debame	دِ بَ مِه	He/She came late	دیر آمد
Dan	دان	Mouth	دهان
Dan Sooj	دان سوج	Mouth burning	دهن سوز
Heri shaow	هَری شوو	Last night	دیشب
Deg	دِگ	Pot	دیگ
Dochakhe	دوچَخِه	Bicycle	دوچرخه
Shoote	شوْتِه	Crazy, Insane	دیوانه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Abeh	آبِه	Another	دیگر
Abenanga	آبِه نَنگا	Stop talking	دیگر حرف نزن
Dad	دَد	Pain	درد
Dasa dade kero	دَسَا دَدِ کِرُو	I have pain in my hand	دستم درد میکنه
Maaloghat	مَعْلُوَقَت	Fight, Quarrel	دعوا
Dotchi	دُت چِی	Little girl	دختر کوچولو
Ba basteh	بَ بَسْتِه	Closed door	در بسته
Bashodegi	بَ شُدِه گِی	Dislocation	در رفتگی
Deroovajan	دِرُو وَاچَن	Liar	دروغگو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ba shodeh	بَ شده	He/She ran away	در رفته
Deroo vajeni	دِرو واجِنی	Pretending	دروغگوئی
Doz	دُز	Thief	دزد
Dass	دَس	Hand	دست
Dabi	دابی	Have it	داشته باش
Mo Dara	مو دارا	I have	دارم
Zoomad	زوماد	Groom	داماد
Zoona	زونا	I know	می دانم
Davazeh	دَوازه	Gate	دروازه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Deroo	دِرو	Lie	دروغ
doshmoon	دُشمون	Curse, Insult	دشنام
Divall	دیوال	Wall	دیوار
Yoush	یوش	Hot	داغ
Digh	دیق	To die of sorrow	دق
Milla	میلا	Renis, dick	دول
Das be dan	دَس به دان	Needy	دست به دهان
Bashdid	بَش دید	He/She saw	دید
Varesh Dash	وَرش دَش	He/She sewed	دوخت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Della be pissa	دِلا بِ پیسا	I'm bored	دلَم پوسید
Dan yoveh	دان یو وه	Yawn	دهن دره
Dassa khareniyoo	دَسا خارَ نیوُو	My hand is itching	دستم میخارد



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Be re sadeh	بِ رِ سَادِه	Ripe, arrived	رسیده
Beshodeh	بِشُدِه	Gone	رفته
Besho	بِشَوُ	Went	رفت
Beshodim	بِشُدِیم	We went	رفتیم
Dimbedim	دِیم بِه دِیم	Face to face, across each other	روبرو
Beshoda	بِ شُدَا	I left, I went	رفته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Rooj	روح	Day	روز
Rojegar	روحگار	Time, days	روزگار
roojnoome	روح نومہ	Newspaper	روزنامہ
Dime ham shode	دیم ہم شدہ	Overall, Altogether	روی ہم رفتہ
Berijiya	بری جی آ	It spilled	ریختہ شد
Roon	رون	Thigh	ران
Beressa	ب رسا	It has arrived	رسید
Shoohad	شوحَد	Bribe	رشوہ
Charghad	چارقد	Scarf	روسری

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Taniat	تَعْنِیَتْ	Fasting	روزه
Ey rooj bedin	ای روج بدین	Another day	یک روز دیگر
Rooj be rooj	روج به روج	Day by day	روز به روز
oveki	اُو کی	Watery, Dilute	رقیق

ز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vaj	وَج	Bee	زنبور
Zizi boore sera	زی زی بورِه سِرَا	Come home soon	زود بیا خانه
Zizi beshe	زی زی بِشِه	Leave early, Go soon	زود برو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khayleh nangar	خَیله نَنگار	Don't talk too much	زیاد حرف نزن
Zad Aloo	زَد آلو	Apricot	زرد آلو
Je shalvary	جِه شلواری	Underpants	زیر شلواری
Jandegi	جَنده گی	Life	زندگی
Zizi besho	زی زی بِشو	He/She left early	زود رفت
bezadeh	بِزادِه	She gaved birth, She delivered a baby	زائیده
Jedassi	جِه دَسی	Writing pad, subordination	زیر دستی
Jandeh	جَنده	Alive	زنده
Jandooss	جَن دوس	A man who loves his wife	زن دوست

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jandedel	جَنَدِه دِل	Young at heart	زنده دل
Jen Amoo	جِنِ عامو	Aunt, (wife of pattern uncle)	زن عمو
Zang nebogh	زَنگِ نِ بُوَق	Don't ring, Don't call	زنگ نزن
Zizi	زی زی - جَلِی	Early, Soon	زود
Zizi bamedi	زی زی بَمِدِی	You are early	زود آمدی
Jere owe	جِرِ اوُو	Under water	زیر آب
Zani dad	زانی دَد	Knee pain	زانو درد
Boghatan	بُوَقَاتَن	Hitting, To hit	زدن
Zajoove	زَ جو وه	Turmeric	زرد چوبه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zadak	زَدَک	Carrot	زردک
Zade tokhme mogh	زِدِه تخم مُرغ	Egg yolk	زرده تخم مرغ
Zagar	زَگَر	Goldsmith	زرگر
Jan	جَن	Woman	زن
Jenooneh	جِنوِنِه	Feminine	زِنانه
Jene per	جِن پِر	Step mother	زن پدر
Sadow	سَ دُوو	Basement	زیر زمین
Zaly	زالی	Leech	زالو
Neghama	نِقَامَا	Torture, torment	زَجَر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zad	زَد	Yellow	زرد
Zahra besho	زَهرا بِشو	I got scared, I frighten	زهره ترک شدم
Mish az Kinesh balghore kishoo	میش از کینش بلقور کی شو	He/She is worn out	زوارش در رفته
Jere kossi	جِرِ کو سی	Under heated blanket	زیر کرسی
Zizi bazi kerri	زی زی بازی کِری	Play quickly	زودتر بازی کن

س

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Besote	بِ سُوْتِه	Burnt	سوخته
Bechadeh	بِچَاْدِه	Turned cold	سرد شده
Silakh	سِی لَآخ	Hole	سوراخ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bash esparade	بَشِ اِسپاراده	Entrust to someone	سپرده
Sowz	سَوُوز	Green	سبز
Soadan	سُوآدن	To scrub	ساییدن
Bash sate bo	بَشِ سَاتِه بُو	He/She built it	ساخته بود
Sowzi	سَوُوزی	Green herbs	سبزی
esbeh	اِسبِه	Dog	سگ
Souj	سوج	Draft	سوز
Sowe	سُوو	Apple	سیب
Sooje vafr	سوج وافر	Cold draft of snow	سوز برف

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Solfe	سولفہ	Cough	سرفہ
Sove zemini	سُووِ زِمینی	Potato	سیب زمینی
Sanegin	سَنگین	Over turned, down ward	سرنگون
Sotegi	سَوِتگی	A burn	سوختگی
Serniadar	سِر نیا دار	Secret – keeper	سِرنگهدار
sangow	سَنگ اُوو	Ceramic barrel used for water	سنگاب
Sisk	سِیسک	Cockroach	سوسک
Sahal	سَ حَل	Dawn	سحر
Serajeri	سِیرا جِری	Down hill	سرازیری

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sokhow	سُووْخُوو	Blush used for make up	سرخاب
Sad	سَد	Cold	سرد
Sa ghofly	سَ قُلْفی	Key – money	سرقفلی
Seke	سِ کِ	Vinegar	سرکه
Sama	سَ مَا	Cold weather	سرما
Kopa meni	کُوپَ مَنِی	Boil, skin infection	سالک
Range esped	رَنگِ اِسپِدِ	White color	رنگ سفید
Selaton	سِلَاتون	Cancer	سرطان
Ghal bil	قَل بیل	Sieve	سرنند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jali	جلی	Fast	سریع
Salt	سَلت	Bucket	سطل
Le haeem	لِ حَیْم	Cheers, to life	به سلامتی
Sizan	سی زَن	Needle	سوزن
Sine paly	سینه پلی	Pneumonia	سینه پھلو
Se va boda	سِ وَا بُودَا	I'm full	سیر شدم
Bash espara	بَش اسپارا	He/She entrusted	سپرد
Doul	دول	Leather bucket	سطل چرمی
Saat	سَعَت	Clock	ساعت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jakizeh	جاکیزه	Slap in the face	سیلی - چک
Sa vasho	سَ وَاشُو	It boiled over	سر رفت
Sagijeh	سَ گِیجِه	Dizzy, dizziness	سر گیجه
Sit sitak	سیت سی تک	A whistle	سوت سوتک
Sanegin beba	سَ نِگین بِبَا	To turn upside down	سرنگون شه

ش

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shema doo nego	شِما دونگو	You want	شما می خواهید
Shema zooni	شِما زونی	You know	شما می دانید
Shema goo zoombi	شِما گو زومبی	You most know	شما باید بدانید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shema che kerī	شِما چہ کِری	What are you doing	شما چه می کنید
Eshpesh	اِش پِش	Louse (Lice)	شپش
Bahmeria	بَہمِریا	Broke	شکست
Shikhar	شی خار	Brother in law (sister's husband)	شوہر خواہر
Shov	شَوو	Night	شب
shalbat	شَل بَت	Syrup	شربت
Shi	شی	Husband	شوہر
Tomoon	تُومون	Pants	شلوار
Yaen	یائین	Wine	شراب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shooneh	شونه	Comb	شانہ
Chow	چُو	Rumor, Gossip	شایعہ
Neghama	نِقاما	Torture	شکنجہ
Shabat	شَبَات	Saturday	شنبه
Satan	ساطان	Devil, Satan	شیطان
Shaw va rooj	شَوُو و روج	Night and day	شب و روز
Cheli	چلی	Mischief	شیطونی
Shostan	شُس تَن	To wash	شستن
Beranj malideh	بَرَنج مالیدہ	Persian meat balls	شفتہ برنجی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shema Ende dabi	شِما اِنْدِه دَبی	You stay here	شما اینجا بمانید

س

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hengash temoon	هنگاش تمون	To speak, To talk	صحبت کردن
Bash hangash	بش هنگاش	He/She spoke	صحبت کرد
Sireti	صیرتی	Pink	صورتی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sa bin	صَ بَین	Soap	صابون
Sohb	صُوحَب	Morning	صبح
Dim	دِیم	Face	صورت
Sedaga	صِداقا	Donation, charity	صدقہ
Sahab	صَحَب	Owner	صاحب
Sahab madeh	صَحَب مَدِہ	Ownerless	صاحب مردہ
Sahab kar	صَحَب کار	Boss	صاحب کار
Saowre	صَووَر	Patience	صبر

ع

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Oshnijeh	أش نیجه	Sneeze	عطسه
Pessin	پسین	Evening	عصر
Mahila	مَحیلا	Pardon	عفو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Amoo	عامو	Uncle (dad's brother)	عمو
Ameh	عامہ	Aunt (dad's sister)	عمہ
Arissi	عاریسی	Wedding	عروسی
Ariss	عاریس	Bride	عروس
Shekhar	شِخار	Alcohol	عرق
tefila	تفیلا	Prayer	عبادت
Hokhma	حُخما	Intellect, wisdom	عقل
Ketooba	کِتوبا	Marriage contract	عقدنامہ
Asg	عَسگ	Photo, picture	عکس

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mooed	موعد	Holiday	عید
Mooede sika	موعد سیکا	Jewish holiday of sukkah	عید سوکا
berene	برنه	Nude, naked	عریان
Gheyz	قی ز	Angry	عصبانی
Abessi	ع ب سی	Pointless	عبث

ف

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Seba	سِبا	Tomorrow	فردا
befahma	بِ فَهْمَا	He/She understand	فہمید
Maaloghat	مَعْلُوقَات	A revolt, conspiracy	فتنہ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Fassakh	فَ سَخ	League (A measure of distance equal to 5)	فرسخ
Herootan	هروتن	To sell	فروختن
Bash heroote	بَش هِرَوْتِه	What's been Sold	فروخته
Bash heroot	بَش هِرَوْت	He/She sold it	فروخت
Seba sho	سِبَا شَو	He/She will go tomorrow	فردا می رود
Pilak may	پِی لَکِ مَای	Fish scales	فلس ماهی
Vira vasho	ویرا وَاشُو	I forgot	فراموش کردم
Maadan	مَ دَن	To die	فوت کردن
Hokhma	حُوخْمَا	Know ledge	فهم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Eflij – laows	افلیج – ل ووس	Paralyzed	فلج
Malakh	مل آخ	Angle	فرشته
Ani	عانی	Poor	فقیر
Fit	فیت	Blow of the mouth	فوت
Fossat	فوسَت	Opportuni ty	فرصت
zoonā	زونا	prostitute	فاحشه
Bash resande	بَش رِسَانِدِه	He/She sent it	فرستاده
Fezil	فِ زیل	Nosy	فضول
Beverej	بِ وِ رِ ج	Run away	فرار کن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Beverjiade h	بِ وِ رِ جِیادِه	He/She escaped	فرار کرده
Feshare khin	فشار خین	Blood pressure	فشار خون

ق

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shevooa	شِ وُوَا	Swear	قسم
Gholf	قُلْف	A lock	قفل
Ghoss	قُوس	Pill, tablet	قرص

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Gili gili	گیلی گیلی	Tickle	قلقلک
Ser sema kadan	سِرِ سِما کَدَن	The intent to complian	قصد بهانه گرفتن
Ghorbonet Gada	قُرْبونِت گَدا	I die for you	قربانت بروم
Abe nenoo ra beshoo	اِبِه نِنو را بِشو	He/She can't move	قادر به حرکت نیست
Bash ghapa	بَش قاپا	Snatched it	قاپید
Ghayem mishak	قایم میشک	Hide and seek	قایم موشک
Ghebil gada	قَبیل گَدا	He/She was accepted	قبول شد
Gheboora	قَبورا	Grave	قبر
Ghebili	قَبیلی	Acceptance	قبولی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ghapoon	قپون	Scale for measuring weight	قپان
Ghazi	قَضی	Something borrowed	قرضی
Ghelion	قَلیون	Hubble-bubble, Hookan	قلیان
Ghachi	قَی چی	Scissors	قیچی
Meghraz	مقراز	Scissors	قیچی
Hima periso	هیما پریسو	He worries himself bitterly	قهره می خورد

ک

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vijiki	وی جیکی	Small	کوچک
Kam banga	کَم بَنگا	Talk less, Don't talk too much	کم حرف بزن
Kia derou	کیا دِرو	Where is it?	کجا است؟
Baareh	بَ رِه	Spatula	کفگیر
Kedi	کِدی	Pumpkin	کدو
Kelbit	کَلبیت	Matchstick	کبریت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kowsh	کوش	Shoes	کفش
Kiche	کیچہ	Alley	کوچہ
Bash kara	بش کارا	Planted	کاشت
Keliche	کلیچہ	Persian – cookies	کلوچہ
Kelit	کلیت	Key	کلید
Yaje	یجہ	A little	کم
Yaje Yaje	یجہ - یجہ	Little By little	کم کم
Kharat	خارت	Persian – hash browns	کوکو
Kai	کای	Lettuce	کاهو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kiya	کیا	Where	کجا
Kiyad nadeh	کیا د ناده	Where did you put it?	کجا گذاشتی؟
Pelasht	پلشت	Dirty	کثیف
Kemo	کمو	It's not enough	کمه
Gem	گم	Worm	گرم
Karom sera	کاروم سِرا	Road inn	کاروانسرا
Shoon bekasht	شون بکاشت	They planted it	کاشته اند
Kirene	کی رِنه	Diapers	کهنه بچه
Mamache	ماماچه	Midwife	کسی که می زاید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kin bereneh	کین بَرِنِه	Nake Ass	کون برهنه
Kin	کین	Ass	کون
Bif	بیف	Fool, Stupid	کودن
Karesh bevedashte	کارش بِ وَ دَشْتِه	It's too late	کار از کار گذشته
Karesh kheraboo	کارش خرابو	He is in trouble	کارش خراب است
Faale kari	فَعْلَه کَاری	Labor work	کارگری
Vesso	وَسو	It's enough	کافی است
Bash koshteh	بَش کُشْتِه	He/She killed	کشته
Yaje sow ke	یَجِه سَوو کِه	Wait a minute, Wait a little	کمی صبر کن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kemoncheh	کِمون چِه	Persian violin like instrument	کمانچہ
vihowseleh	وی حُوصِلِه	Impatient	کم حوصلہ
Kam khow	کَم خُوو	Insomnia, Sleepless	کم خواب
Kam khini	کم خینی	Anemic, Shortage of blood	کم خونی
Kemoo	کِمُو	Person or thing infested with	کرمو
Yaje banga ta dela vaboo	یَجِه بَنگا تا دِلا و ابو	Speak a little so I can up	کمی حرف بزن تا دلم باز
kere	کِرِه	Butter	گرہ

ک

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Melli	مِلی	Cat	گربه
Moranji	مُورَنجی	Sparrow	گنجشک
Deresh gi reteh	دِرِش گِی رِتِه	He recived it	گرفته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mekha be kadeh	مِخا بِ کَدِه	I have lost it	گم کرده ام
Bamva	بَم وا	I said	گفتم
Bashva	بَش وا	He/She said	گفت
Bashvatebo	بَشِوَاتِه بُو	He/She had said	گفته بود
Began dadeh	بِگَن دَاډِه	Rotten, Spoiled	گندیده
Gama gam	گَمَا گَم	In the heat of the moment	گرما گرم
Gam	گَم	Warm	گرم
Vedashteha	وِ دَشْتِه ها	Long ago	گذشته ها
Vishgi	ویشگی	Hunger	گرسنگی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vishe	ویشه	Hungry	گرسنه
Gai	گای	Sometimes	گاهی
Ani	عانی	Beggar	گدا
Godi	گوڈی	Huge, large	گنده
Begeza	بِ گِ زَا	It stang	گَزید
Geye	گِ یِ	Cry	گریه
Halghena	حَلقِ نَا	Throat	گلو
Avoon	آوون	Sin	گناه
Makh be bodeh	مَخ بِ بُودِه	Lost (missing) person or thing	گم شده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Gakhare	گا خاره	Cradle	گهواره
Roochasi	روچسی	Hear clip	گیره سر
Beverejiade h	بِ وِ رِ جیاده	Fugitive, Run away	گریخته
Begezadeh	بِ گِ زاده	Stunged	گزیده
Han gashtemoon	هَن گاشتمون	Conversati on	گفتگو
Bashva	بَش وا	He/She said	گفته
Bevedash	بِ وِ دَ ش	Passed, left behind	گذشت

ر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Rakht	رَخت	Dress	لباس
Jon khow	جُون خَوُو	Quilt, Blanket	لحاف
Leghat	لِقَت	Kick	لگد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jownkhowji	جُوُون خوَوُجی	Small Quilt	لحاف کوچک
Laow	لَ وُو	Lip	لب
Rakhtekho w	رَختِ خوُو	Quilt	لحاف

م

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Maneh	مانِه	Mother, Mom	مادر
Marjan	مارجَن	Mother in law (wife's mother)	مادرزن
Resoo	رِسو	It will arrive	می رسد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mooneva	مونوا	We were saying	می گفتیم
Maram	مارام	My mother, my mom	مادرم
Vaja	واجا	I say	می گویم
Shegoo	شیگو	He/She wants	می خواهد
Micheh	می چه	Ant	مورچه
Maghbil	مقبیل	Pretty	مقبول
Sheva	شیوا	He/She was saying	می گفت
Mi	می	Hair	مو
Mirmir	میر میر	Tingling senseition	مور مور

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mish	میش	Mouse	موش
Mishak	می شک	Rocket	موشک
Mim	میم	Wax	موم
Matow	مَ توو	Moon light	مهتاب
Moraye gadan	مورای گدن	Vertebrae of the neck	مهره های گردن
Maymin	می مین	Monkey	میمون
Varyo	وریو	Anxious, Worried	مضطرب
Modbakh	مدبَخ	Kitchen	مدبَخ - آشپزخانه
Gheboora	قبورا	Grave	مقبره

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Yajeh	یَجِه	A portion, A bit	مقداری
Mon	مُون	Me, I	من
Medooneh	مِ دُونِه	Masculine	مردانه
Lichar	لیچار	Verbal insult, Teasing	متلک
Mogh	مُوغ	Chicken	مرغ
Malham	مَل حَم	Salve, Ointment	مرهم
Mortoni	مورتونی	Hypocrite	غرور
Pildar	پیلدار	Wealthy, Rich	متمول – پولدار
Khela	خِلا	Restroom	مستراح

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kheresh shoo	خَرِش شو	Influential	متنفذ
Niadar	نیادار	A guard	محافظ
Niadary	نیاداری	To guard, To protect	محافظت
Ghayem	قایم	Strong, Firm	محکم
Ghayem kari	قایم کاری	To double check	محکم کاری
Jere joly	جِرْجُولی	Secretly	مخفیانه
Marshi	مارشی	Mother in law (husband's mom)	مادر شوهر
Mari	ماری	Motherly	مادری
Mai	مای	Fish	ماهی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Maneh	مانِه	Mother, Mom	مامان
Vamandeh	وامنْدِه	Remainder	مانده
Maycheh	مایچه	Muscle	ماهیچه
Maytoveh	مای تووَه	Frying pan	ماهی تابه
May heroosh	مای هِروش	Fisherman	ماهی فروش
Aveldar	آولدار	Mourner, A person who is grieving	ماتم دار
Hama moonega	هاما مونِگا	We wanted	ما می خواستیم
Hama	هاما	Us, We	ما ها
Marmadeh	مار مَدِه	Poor guy	مادر مرده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mega	مِگا	I wanted	می خواستم
Mar begezadeh	مار بگَزایدِه	Stung by a snake	مار زده
Maalimeh gadoo	مَعَلیمه گَدو	It will turn out	معلوم میشه
Mishmadeh	میش مَدِه	A sneaky person	موش مرده
Mon nena chishi Baja	مُو نِنَا چِیشی باجا	I don't know what to say	من نمی دانم چه بگویم
Shekhar	شِخار	Alcoholic beverage, liquor	مشروب الکلی
Shikoor	شیکور	Drunk	مست
Nooma	نوما	Moon	ماه
Sevrer	سورِر	Prejudice	متعصب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Darash	داراش	Sermon	موعظه
Yajeh	یَ جِه	A little bit	مقدار کم
Jol koneh	جول کُونِه	Worn out cloth	پارچه مستعمل
Kin	کین	Anus, Ass, Butt	مقعد
Mona feramoosh ke	مُونَا فراموش کِه	Forget me	مرا فراموش کن
Mishkan	میشکان	Pulpit	منبر
Donegoo beshim	دونگوبَشیم	Do you want us to go	می خواهید برویم
moshto mall	مُشت و مال	Massage	ماساژ
Mon megoo bevereja	مُون مِگوبِ و رِ جا	I want to escape	من می خوام فرار کنم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Peroo	پرو	It flies	می پرد
Soghormeh	سُوقورمه	To punch, punching	مشت زدن

ن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Noonva	نونوا	Baker	نانوا
Tame – palasht	تامه – پلشت	Dirty, Impure	نجس
Danishteh	دنی شته	He/She is seated	نشسته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nemezooa besha	نِمَزونا بِشا	I can't go	نمی توانم بروم
Nishoo	نیشو	He/She doesn't go	نمی رود
Vash nevesh	واش نِوش	He/She wrote	نوشت
Nnaji	ناجی	Don't say it	نگوئید
Maneh	مانِه	Mommy	ننه
Nime dagh	نیمه داق	Half – open	نیمه باز
Nepete	نِ پِته	Uncooked	ناپخته
Nesfe shaow	نِصفه شُوو	Midnight	نیمه شب
Naperi	ناپِری	Step - father	ناپدری

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nof	نُف	Belly button	ناف
Noom	نوم	Name	نام
Namari	ناماری	Step – mother	نامادری
Set	سِت	Ladder	نردبام
Massa	مَصَا	Unleavend Bread, (matzeh)	نان فطیر
Nakhoon	ناخون	Nail	ناخن
Navi	ناوی	Prophet	نبی
Naew shereh	نَ وَشِرِه	Great great grand child	نپیره
Nakoom	ناکوم	Someone who died suddenly or too soon	ناکام

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bekhoor	بِخور	First born	نخست زاد
Neder	نِدر	Pledge	نذر
Taje Ariss	تاجِه عاریس	New bride	نوعروس
Eehowdai betasada	ای هُودای بِتَسادا	Suddenly I got startled	ناگهان ترسیدم
Neresadeh	نِرسادِه	Unripe	نارس
Netass	نِ تَس	Don't be afraid, Don't be scared	نترس

ه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Handine	هَندینه	Watermelon	هندوانه
Yaneh	یانه	Stone grinding	هاون سنگی
Yafteh	یَف تِه	Week	هفته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Henin	هِنین	Still, Yet	هنوز
Hesh kareh	هَش کاره	Unemployed	هیچکاره
Heche nezoonoo	هَچِه نِزُونُو	He/She doesn't know anything	هیچی نمی داند
Khovin	خَوُوین	Grinding pot	هاون
Hava varooniyou	هوا وارونیو	It's rainy	هوا بارانی است
Hava vafriow	هوا وَفْرِیو	It's snowy	هوا برفی است
Hamsadeh	هَمَسَاڤِه	Neighbour	همسایه
zadak	زَدَک	Carrot	هوچ
Hagez	هَکَز	Never	هرگز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hech	هچ	Nothing	هیچ
Hachi vajoo pische you	هچی واجو پیشه یو	What ever he/she says will hannen/	هر چه می گوید پیش می آید
Harooj	هروج	Every day	هرروز
Khar	خار	Sister	همشیره
Endiyeh	ان دیه	Right here	همینجا

ی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vira va shodeh	ویرا واشدِه	I forgot	یادم رفت
Viresh va shodeh	ویرش وا شدِه	He/She forgot	یادش رفته
Viresh are	ویرش آرِه	Remind him/her	یادش بیار

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vired vaneshoo	ویرد وانِشو	Don't forget	یادت نرود
Eita noon	ایتا نون	A loaf of bread	یک دانه نان
Yajeh	یَجِه	A little bit	یک کمی
Eila gheba	ایلاقبا	Impoverished / destitute	یک لاقبا
Eihowday	ایهودای	Suddenly	یکهو
Eita Eita	ایتا ایتا	One by one	یکی یکی
Aseh	آسه	Slow	یواش
Eilae	ایلائئ	One layer	یک لایی
Yay shebat	یئ شبات	Sunday	یک شنبه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bam pat	مون بَم پَت	I cooked	من پختم
To bad pat	تو بَد پَت	You cooked	تو پختی
ey bash pat	ای بَش پَت	He/She cooked	او پخت
Hama moon be pat	هاما مون بِ پَت	We cooked	ما پختیم
Shema doon bepat	شِما دون بِ پَت	You (pl) cooked	شما پختید
Oova shoon bepat	اووا شون بِ پَت	They cooked	آن ها پختند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bankhoon	مُن بَن خون	I read	من خواندم
To badkhoon	تو بَدخون	You read	تو خواندی
Ey bashkhoon	ای بَش خون	He/She read	او خواند
Hama moon bekhoon	هاما مون بِخون	We read	ما خواندیم
Shema doon bekhoon	شِما دون بِخون	You (pl) read	شما خواندید
Oova shoon bekhoon	اووا شون بِخون	They read	آن ها خواندند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon ban herid	مُن بَن هَرِید	I bought	من خریدم
To bat herid	تو بَت هَرِید	You bought	تو خریدی
Ey bash herid	ای بَش هَرِید	He/She bought	او خرید
Hama mon bain	هاما مون بَین	We bought	ما خریدیم
Shema doon bain	شِما دون بَین	You (pl) bought	شما خریدید
Oova shoon bain	اووا شون بَین	They bought	آن ها خریدند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon van nevesh	مُون وان نِوش	I wrote	نو شتم
To vad nevesh	تو واد نِوش	You wrote	نو شتی
Vash nevesh	واش نِوش	He/She wrote	نو شت
Hama vamon nevesh	هاما وامون نِوش	We wrote	ما نو شتیم
Shema vadoon nevesh	شِما وادون نِوش	You (pl) wrote	شما نو شتید
Oova vashoon nevesh	اووا واشون نِوش	They wrote	آنها نو شتند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon ban shosh	مُون بن شوُش	I washed	من شستم
To bad shosh	تو بَد شوُش	You washed	تو شستی
Ey bash shosh	ای بَش شوُش	He/She washed	او شست
Hama moon beshosh	هاما مون بشوُش	We washed	ما شستیم
shema doon beshosh	شِما دون بشُش	You (pl) washed	شما شستید
Oova shoon beshosh	اووا شون بشوُش	They washed	آنها شستند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon deran gira	مُون دِران گیرا	I took	من گرفتم
To deret gira	تو دِرِت گیرا	You took	تو گرفتی
Ey deresh gira	ای دِرِش گیرا	He/She took	او گرفت
Hama deremoon gira	هاما دِرِمون گیرا	We took	ما گرفتیم
Shema deretoon gira	شِما دِرِتُون گیرا	You (pl) took	شما گرفتید
Oova dereshoon gira	اووا دِرِشُون گیرا	They took	آن ها گرفتند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon shooma bekhodeh	مون شوما بِخُوْدِه	I had/ate dinner	من شام خوردم
To shoomet bekhodeh	تو شوْمِت بِخُوْدِه	You had/ate dinner	تو شام خوردی
Ey shoomesh bekhodeh	ای شوْمِش بِخُوْدِه	He/She had/ate dinner	او شام خورد
Hama shoomemo on bekhodeh	هاما شوْمِمون بِخُوْدِه	We had/ate dinner	ما شام خوردیم
Shema shoomedoo n bekhodeh	شِما شوْمِدون بِخُوْدِه	You (pl) had/ate dinner	شما شام خوردید
Oova shoomesho n bekhodeh	اووا شوْمِشون بِخُوْدِه	They had/ate dinner	آن ها شام خوردند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bekhoteh boda	مُونِ بَخُوْتِه بُودَا	I was sleeping	من خوابیده بودم
To bekhoteh bodi	تو بَخُوْتِه بُودِی	You were sleeping	تو خوابیده بودی
Ey bekhoteh bo	ای بَخُوْتِه بُو	He/She was sleeping	او خوابیده بود
Hama bekhoteh bodim	هاما بَخُوْتِه بُودِیم	We were sleeping	ما خوابیده بودیم
Shema bekhoteh bodid	شِما بَخُوْتِه بُودِید	You (pl) were sleeping	شما خوابیده بودید
Oova bekhoteh bodan	اووا بَخُوْتِه بُودَن	they were sleeping	آن ها خوابیده بودند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon beshoda	مُونِ بَشُودَا	I went	من رفتم
To beshodeh	تو بَشُدِه	You went	تو رفتی
Ey besho	ای بَشُو	He/She went	او رفت
Hama beshodim	هاما بَشُدِیم	We went	ما رفتیم
Shema beshodi	شِما بِه شُدِی	You went	شما رفتید
Oova beshodan	اووا بَشُودَن	They went	آن ها رفتند